

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سر الصلاة امام خمینی قدس سره ۵

ارزیابی امام قدس سره از لیاقت ها و صلاحیت های علمی و عملی خود برای شرح منازل سلوک: امام راحل به تبعیت از مولایش امام علی علیه السلام که فرمود: «آه! مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ ، وَ طُولِ الطَّرِيقِ ، وَ بُعْدِ السَّفَرِ ، وَ عَظِيمِ الْمَوَدِّ!» (نهج البلاغة : الحکمة ۷۷) «وای از کمبود توشه و درازی راه و دوری سفر و عظمت جایی که وارد می شویم!» و ناله کرده، خود را گنهکار می شمرد: **اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَايَرًا وَلَا لِسَيِّئٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ**» (دعای کمیل) خدایا! آمرزنده ای برای گناهانم و پرده پوشی برای زشتکاری هایم و تبدیل کننده ای برای کار زشتم به زیبایی جز تو نمی یابم». امام خمینی ره برای نگارش مقامات اولیای عظام در سلوک روحانی و معراج ایمانی عرفانی، خود را نالایق و فاقد صلاحیت علمی و عملی می خواند: «و بعد، این سرگشته وادی حیرت و جهالت و بسته به تعلقات اینت و آنانیّت و سرگرم باده خودی و خودپرستی و بی خبر از مقامات معنویّه و ملک هستی، ارادت خالص کردم که برخی از مقامات روحیّه اولیای عظام را در این سلوک روحانی و معراج ایمانی عرفانی به رشته تحریر درآورم.» باید دانست داشتن چنین نگاهی به خود، لازمه توفیقات بزرگ اولیاء الهی است؛

پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

تکبر به خاک اندر اندازدت

ز خاک آفریدت خداوند پاک

تواضع سر رفعت افرازدت

وقتی خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «بار دیگر که برای مناجات آمدم، بدترین مخلوق مرا به همراه بیاور!». حضرت موسی برای همراه بردن کسی که خود را از او برتر بداند، به هر کس رو آورد، نتوانست خود را از او برتر بداند از این رو از دایره آدمیان خارج شد و در دایره حیوان ها به یافتن کسی که خود را از وی برتر بداند، با درنده ای مبتلا به بیماری جرب (پیسی) مواجه شد و ریسمانی به گردن آن انداخت تا با خود ببرد ولی کمی که رفتند، حیوان را آزاد کرد و خود به تنهایی رفت و وقتی خداوند از او علت همراه نیاوردن کسی با خودش را پرسید، «**قَالَ يَا مُوسَى أَيْنَ مَا أَمَرْتُكَ بِهِ**» عرض کرد موجودی که من از او برتر باشم، نیافتم» **قَالَ يَا رَبِّ لَمْ أَجِدْهُ**» خداوند فرمود: به عزت و جلالم قسم اگر موجودی را با خود همراه آورده (و خود را از

چیزی برتر شمرده بودی)، تو را از دیوان پیامبری حذف می کردم. « **فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ أَتَيْتَنِي بِأَحَدٍ لَمَحَوْتُكَ مِنْ دِيْوَانِ النُّبُوَّةِ.** » (عده الداعی، ص ۲۱۸).

به عزت هر آنکو فروتر نشست	به خواری نیفتد ز بالا به پست
به گردن فتد سرکش تند خوی	بلندیت باید بلندی مجوی
بلندیت باید تواضع گزین	که این بام را نیست سلم جز این

اعتراف به نداشتن لیاقت و بهانه های نگارش: امام راحل با طرح سؤالی در درون خود که اگر شایستگی لازم را نداری پس چرا اقدام به نگارش این کتاب می کنی؟ ضمن اعتراف مجدد به نداشتن صلاحیت های علمی و لفظی و صوری شمردن آن و اعتراف به نداشتن صلاحیت های عملی و خلقی و روحیات اهل قلوب، بهانه نگارش این کتاب را اینگونه مطرح می کند که من اگر از صالحان نیستم ولی آنها را دوست دارم: « من خود گرچه از همه مدارج و معارج به لفظ و ترکیبات آن قناعت کردم و به حلیه هیچ یک از مقامات خُلُقِیّه و روحِیّه اهل قلوب زینت نیافتم، ولی به مقتضای آنکه « **أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ** ». (**أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي الصَّلَاحَ**) - صالحان را دوست می دارم و خود از آنان نیستم». امام علی علیه السلام راز این خلق پسندیده را اینگونه مطرح می فرماید: « **قُلْ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ** » (نهج البلاغه : الحکمة ۲۰۷) کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و به زودی یکی از آنها نشود . و از باب اینکه « **مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حَشَرَهُ اللَّهُ فِي زُمْرَتِهِمْ** » (نهج الفصاحه: ص ۶۰۹، ح ۲۹۸۶) «هر کس هر چیزی را دوست داشته باشد خداوند او را با همان چیز محشور خواهد کرد.» همواره ملازم این روحیه بوده اند.

این سعادت هر که را در برگرفت	خاک پایش را فلک بر سر گرفت
هر که او از خود بکلی وانرست	نایدش دری از این دریا بدست
خود محبت فارغ از ما و من است	هر که او را دوست خود را دشمنست

ناچیز و صوری دیدن عمل و همراه نمودن آن با عجز و نیاز و امید: امام راحل می فرماید: « با ذکر محبوب این اوراق را مزین می کنم، شاید این تذکر بی مغز و صورت بی معنی مشفوع با اظهار عجز و نیاز شده، گوشه چشمی از ارباب نظر و اولیای کُمل علیهم السلام بر این گرفتار آمال و امانیّ باز شود» چرا که شیوه صالحان این است همیشه دست نیازشان به درگاه الهی بلند است و آموخته اند که درخواست و طرح نیاز با خداوند بی نیاز، سبب گشایش در امور است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « **يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلَانِ كَانَا يَعْمَلَانِ عَمَلًا وَاحِدًا ، فَرَى أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَوْقَهُ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، يَا أَعْظَمُتُهُ وَ كَانَ عَمَلُنَا وَاحِدًا ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى : سَأَلَنِي وَ لَمْ تَسْأَلْنِي** » (عده الداعی، ص ۳۶) دو نفر که هر دو یکسان عمل کرده اند ، وارد بهشت می شوند ، اما یکی از آن

دو، دیگری را برتر از خود می‌بیند. می‌گوید: پروردگارا! چرا او را برتری دادی، در حالی که عمل هر دوی

ما یکسان بوده است؟ خداوند - تبارک و تعالی - می‌فرماید: او از من درخواست می‌کرد و تو درخواست

نمیکردی « امام سجّاد علیه السلام ضرورت امیدواری و عرض نیاز به درگاه خداوند را با وجود کوتاهی‌ها

اینگونه با زبان دعا توضیح می‌دهد: « **اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا حَلَّةٌ وَاحِدَةٌ يَحْجُبُنِي**

أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَلْتُ عَنْهُ وَ نَحْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا وَ يَحْدُونِي عَلَى

مَسْأَلَتِكَ تَفْضُّلُكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَوْهُ إِلَيْكَ ، وَ وَقَدْ يُحْسِنُ ظَنَّهُ إِلَيْكَ ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفْضُّلٌ وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ

» (صحیفه سجّادیّه، دعای ۱۲) « بار خدایا! سه چیز باعث می‌شود که من از تو درخواست نکنم و تنها یک

چیز مرا بر آن می‌دارد. آنچه مرا باز می‌دارد، یکی آن است که تو مرا فرمان دادی و من در انجام آن سستی

کردم، دیگر آن که مرا از کاری نهی فرمودی، اما من به انجام دادن آن شتافتم، سوم آن که مرا نعمت ارزانی

داشتی، ولی من در شکرگزاری آن، کوتاهی کردم. اما آنچه مرا به درخواست کردن از تو می‌کشاند، تفضّل تو

بر کسی است که به درگاهت روی کند و با خوش‌گمانی به سوی تو آید، که همه احسان‌هایت، تفضّل است و

همه نعمت‌هایت، نخستین است.»

مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم زان جا که فیض جام سعادت فروغ توست

بیرون شدی نمای ز ظلمات حیرتم هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت

تلاش پیوسته و توکل برای جبران کوتاهی‌ها: امام خمینی قدس سره سبب تلاش علمی و عملی خود را چنین

مطرح می‌کند «... و جبر نقصان در بقیه عمر گردد و عَلَى اللَّهِ التَّكْلَانِ. « پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « **إِذَا**

أَرَادَ صَاحِبُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ إِلَّا أَعْطَاهُ ، فَلْيَسْأَلْ مِنَ التَّالِيں كُلَّهُمْ ، وَلَا يَكُونَنَّ لَهُ رَجَاءٌ عِنْدَ غَيْرِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ

مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ » (تیسیر المطالب، ص ۲۳۵) « هر گاه یکی از شما خواست که آنچه را از

پروردگارش درخواست می‌کند، به او بدهد، باید از همه مردم چشم امید برگند و به غیر خدا هرگز امیدی

نداشته باشد. پس هرگاه این از قلب او بر خدا عیان شد، هر چه را از وی بخواهد، به او می‌دهد.» و امام

علی (ع) می‌فرماید: « **لَا يَصْدُقُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ** » (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰) «

ایمان بنده ای صدق نمی‌کند، جز آنکه توکل و اعتماد او به آنچه در دست خداست، بیشتر از آن باشد که در

دست اوست.»

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش